

بررسی واژه «دیدن» براساس معناشناسی قالبی

سیدحمزه موسوی^{۱*}، محمد عموزاده^۲، والی رضایی^۳

۱. دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت: ۹۳/۴/۲۹

پذیرش: ۹۳/۸/۱۸

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی واژه «دیدن» از منظر معناشناسی قالبی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه معنای برخی از واژه‌ها در تجارب روزمره و دانش پیش‌زمینه انسان‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، هدف این مقاله دستیابی به تفاوت معنایی ظریف بین واژگان هم‌معناست و تصور بر این است که ریشه این تمایزات در تجارب نهفته باشد که چنین تمایزات معنایی در لغت‌نامه‌ها عموماً نادیده گرفته می‌شود. راهکار انجام این تحقیق، بررسی متون متنوع و پیکره‌ای است تا از این طریق بتوانیم قالب‌های معنایی فعل «دیدن» را یافته و از یکسو روابط و تفاوت‌های بین فعل «دیدن» و فعل‌های هم‌معنا نظیر «مشاهده کردن»، «تماشا کردن»، «نگاه کردن» و غیره را استخراج کنیم و از سوی دیگر، چندمعنایی فعل «دیدن» را در قالب‌های متعدد مشخص نمائیم. از تحلیل داده‌ها می‌توان به نتایجی چند دست یافت، از آن جمله می‌توان نشان داد که رابطه بین قالب‌های متعدد با قالب «ادراکی-دیداری» عامل ایجاد چندمعنایی فعل «دیدن» شده است. همچنین، واژگان دیگری که با ادراک دیداری در ارتباط هستند، از طریق متغیرهایی از قبیل هدف، دقت، اراده و غیره از فعل «دیدن» تمیز داده شده‌اند. آنچه در نهایت حاصل می‌آید الگویی از ارتباط معنایی فعل «دیدن» و سایر افعال هم‌معنا می‌باشد.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی قالبی، واژه‌نامه، قالب‌نت، هم‌معنایی.

۱. مقدمه

اگر لغت‌نامه دهخدا را برای یافتن واژه دیدن ورق بزنیم به معادل‌هایی همچون «نگریستن، رؤیت کردن، نگریدن، نگاه کردن، نظر انداختن، عیان، معاینه، آگهی یافتن، ابصار، لحاظ و ملاحظه و مشاهده» برخورد خواهیم کرد. همچنین ممکن است نمونه‌هایی از کاربرد این واژه را در بافت‌های زبانی مختلف بیابیم. لغت‌نامه دهخدا در همین‌جا متوقف می‌شود و بیش از این چیزی در اختیار ما قرار نمی‌دهد، چون واژه‌نامه‌ها به دانش پیش‌زمینه^۱ سخنگویان توجهی نمی‌کنند. با در نظر گرفتن دانش پیش‌زمینه

سخنگویان زبان فارسی، مقاله حاضر سعی دارد علاوه بر موشکافی معنایی فعل «دیدن»، این فعل را در قالب «ادراکی-دیداری» با دیگر افعال هم‌معنا مقایسه کند.

فیلمور و آتکینز (1992) با اذعان به این مشکلات، واژه‌نامه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که در آن‌ها مفهوم هر واژه، روابط بین واژه‌های چندمعنا و مخصوصاً به‌ظاهر هم‌معنا، از طریق ساختارهای شناختی (قالب‌ها) محقق می‌شود. این واژه‌نامه‌ها که به‌صورت الکترونیکی برای زبان انگلیسی محقق شده‌اند، شامل پنجره‌ای رایانه‌ای است که در آن بین معانی واژگانی و الگوهای نحوی-واژی ارتباطی برقرار می‌شود. هر کدام از اجزای این الگوهای نحوی-واژی با قالب معنایی مربوطه نمایه شده است. فرازبانی که برای توصیف نمایه‌ها به کار برده شده، حاوی مقولاتی است که توصیف‌کننده قالب‌های زیربنایی است. به این ترتیب، وجود هر کدام از این توصیفات، ابزاری در اختیار کاربران قرار می‌دهد تا بتوانند به قالب‌های زیربنایی مرتبط دسترسی داشته باشند.

حال اگر بخواهیم برای فارسی‌زبانان واژه‌نامه‌ای براساس نظریه قالب‌های معنایی ارائه دهیم، مدخل واژه «دیدن» به چه شکل خواهد بود؟ چگونه تمایزات معنایی ظریف بین واژگان هم‌معنا را می‌توان مشخص نمود؟ آنچه از این پرسش‌ها آشکار می‌شود این است که هدف اصلی این مقاله آشکار ساختن تفاوت‌های معنایی ظریف بین واژه‌های هم‌معناست. هدف دیگر این مقاله نشان‌دادن چگونگی ارتباط بین قالب‌های مختلفی است که فعل «دیدن» در آن‌ها تعریف می‌شود، به این معنا که قصد داریم نشان دهیم معانی متفاوت فعل دیدن چگونه در قالب «ادراکی دیداری» جمع می‌شوند.

مطالعاتی که در حوزه نظریه قالب‌های معنایی انجام گرفته است، اغلب به قالب‌های ملموس‌تر همچون «بازرگانی»، «سرقت»، «خشکی» و غیره پرداخته‌اند، اما در این مقاله قصد داریم تا به توصیف یکی از واحدهای واژگانی قالب «ادراکی-دیداری»، یعنی «دیدن» بپردازیم.

۲. پیشینه تحقیق

کمتر تحقیقی در زبان فارسی به‌طور اختصاصی واژه «دیدن» را مورد بررسی قرار داده است. با این وجود دست‌نویسان سنتی و معاصر آن را فعلی ساده قلمداد کرده‌اند (نک. انوری و گیوی، ۱۳۹۱).

در مورد ترکیب واژگانی با فعل «دیدن»، رضاییان و سالاری (۱۳۹۲) از منظر زبان‌شناسی تاریخی به بررسی واژه مرکب «داغ‌دیدن» پرداخته‌اند و درنهایت نشان داده‌اند که این ترکیب ابتدا نوعی ترکیب دستوری بوده و در طول تاریخ به‌صورت فعلی مرکب به معنای «متحمل‌شدن رنج» تحول یافته است.

هرچند قالب‌های معنایی فعل «دیدن» در زبان فارسی با فعل *see* در زبان انگلیسی کاملاً متفاوت است، اما نمی‌توان از رساله بیکر (1999) در مورد بررسی واژه *see* از منظر معناشناسی قالبی صرف‌نظر کرد. وی ترکیب‌های دستوری این واژه را در جدولی نشان داده و قالب‌های معنایی این واژه

را به‌طور مفصل ترسیم کرده است. برای مثال اگر دو جمله زیر را در نظر بگیریم:

1. She saw the cat on the mat.
2. I'll see you to the door.

چندمعنایی جملات «۱ و ۲» ناشی از وجود قالب‌های معنایی مجزا می‌باشد، چرا که قالب واژه دیدن در جمله «۱» قالب «ادراکی- دیداری» است، درحالی‌که قالب جمله «۲» قالب «مشایعت کردن» است. از آثار دیگری که به‌طور مختصر قالب‌های واژه «دیدن» را نشان داده است، قالب‌بندی زبان انگلیسی دانشگاه برکلی است.^۲ برای زبان فارسی نیز لازم است قالب‌بندی راه‌اندازی شود و در این صورت قالب «ادراکی- دیداری» نیز می‌تواند بخشی از آن باشد.^۳

هرچند هدف اصلی این مقاله بررسی چندمعنایی نیست، اما ناخواسته بخش دوم مقاله به آن گره می‌خورد. برای چندمعنایی افعال حسی در زبان فارسی می‌توان به فیاضی (۱۳۸۸) و فیاضی و دیگران (۱۳۸۷) اشاره کرد. آن‌ها در چارچوب زبان‌شناسی شناختی، استعاره را برای تحلیل چندمعنایی این افعال مناسب دیده‌اند. همچنین سلطانی و عموزاده (۱۳۹۱) در بحث افعال حرکتی، چندمعنایی فعل «آوردن» را از منظر شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند.

واژه‌هایی که در زبان‌های مختلف بیشتر مورد تحقیق قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: «بازرگانی»، «دزدی»، «سرزمین»، «ساحل» و «خشکی»، چرا که این موارد تفاوت‌های معنایی بین واژگانی را که براساس یک رویداد واحد تعریف می‌شوند، به شکل ملموس‌تری نمایش می‌دهند. قالب‌های معنایی ابزار مناسبی برای تحلیل‌هایی از این دست محسوب می‌شوند.

۳. ملاحظات نظری

در این بخش از مقاله ابتدا به ملاحظات نظری معناشناسی شناختی می‌پردازیم و سپس به‌طور خلاصه نظریه معناشناسی قالبی را ارائه می‌کنیم.

زبان‌شناسی شناختی ریشه در مباحث زبانی و علوم شناختی نوظهور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و به‌ویژه در بررسی چگونگی تشکیل مقوله‌بندی در ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالتی دارد (Vide. Evans & Green, 2006). با این‌که مدت زیادی از عمر زبان‌شناسی شناختی نمی‌گذرد، اما این رویکرد به یکی از مهم‌ترین سنت‌های زبان‌شناسی تبدیل شده است و توانسته با شاخه‌های علمی متنوعی همچون روان‌شناسی، عصب‌شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و نقد ادبی تعامل برقرار کند (نک. راسخ‌مهند، ۱۳۹۰: ۶).

یکی از مباحث معناشناسی شناختی این است که درک معنا به‌صورت دایره‌المعارفی انجام می‌گیرد. به عبارتی معنای هر واژه را بدون آگاهی از دانش دایره‌المعارفی نمی‌توان درک کرد. به این ترتیب

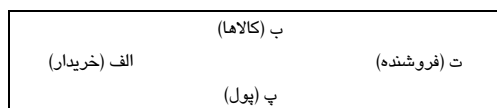


معانی واژه‌ها درون نظامی از این دانش درک می‌شوند که البته نظامی مفهومی است (نک. همان: ۶۵). از جمله نظریه‌هایی که به توصیف این دانش اختصاص دارد نظریه معناشناسی قالبی^۴ است که فیلمور در دهه ۱۹۷۰ آن را براساس قالب مشهور «رویداد بازرگانی»^۵ ارائه داده است (Vide. Croft & Cruse, 2004: 7).

معناشناسی قالبی با نگاهی خاص به معنای واژگانی نشان می‌دهد که معانی جدید چگونه به معنای متن افزوده می‌شوند. به همین دلیل فیلمور (1982) «قالب» را نظامی از مفاهیم مرتبط دانسته که درک هر کدام از آن‌ها را بدون در نظر گرفتن کل ساختار سازنده غیر ممکن می‌داند. وی قالب را دربرگیرنده مفاهیم دیگری همچون طرح‌واره^۶، چارچوب^۷، صحنه‌سازی^۸، چارچوب اندیشگانی^۹، الگوی شناختی^{۱۰} و نظریه عامیانه^{۱۱} می‌داند.

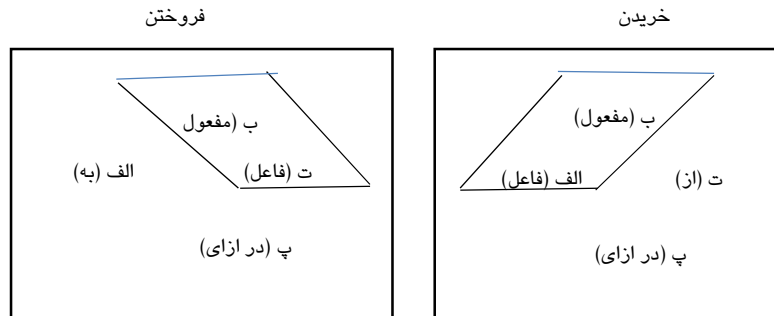
البته باید دقت داشت که نظریه‌هایی مشابه این نظریه همچون نظریه نقطه متحرک^{۱۲} - نقطه ثابت^{۱۳} (Vide. Langacker, 1987) و نما^{۱۴} - زمینه^{۱۵} (Vide. Talmy, 2000) وجود دارند، اما نظریه قالب-های معنایی نسبت به نظریه‌های رقیب بسیار قوی‌تر بیان شده است؛ چرا که نظریه‌های ذکر شده ممکن است فقط در مورد واژه‌های خاص (مثلاً افعال حرکتی) قابلیت تبیین بالا داشته باشند، اما در مورد سایر واژه‌ها این قابلیت تضعیف شود. از این منظر، قالب‌های معنایی، بسیار عمیق‌تر بیان شده است و کل مجموعه واژگانی را پوشش می‌دهد.

فیلمور و آتکینز (1992) قالب «مفاهیم بازرگانی» را مطرح کرده‌اند و هر واژه یا عبارت اصطلاحی را با توصیف ظرفیت فعلی به هم ربط می‌دهند. انگر و اشمید (2006) قالب «خریدن» را به صورت نمودار «۱» ترسیم کرده‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که قالب «رویداد بازرگانی» برای بیان فعل‌های دیگری همچون «فروختن»، «پرداخت کردن» و «خرج کردن» نیز به کار می‌رود.



شکل ۱ قالب معنایی «خریدن»

حال براساس شکل «۱» می‌توان تفاوت «خریدن» و «فروختن» را در شکل «۲» مشاهده کرد و دریافت که در قالب «بازرگانی» چه چیز باعث تفاوت معنایی دو فعل ذکر شده گردیده است:



شکل ۲ تفاوت «خریدن» و «فروختن»

به این ترتیب تفاوت بین «خریدن» و «فروختن» براساس نظریه قالب‌های معنایی به رابطه بین خریدار و کالا از یکسو و فروشنده و کالا از سوی دیگر بازمی‌گردد. مثال دیگری که فیلمور (1982) ارائه داده است به تفاوت دو واژه *shore* و *coast* اشاره کرده و منشأ این تفاوت را در قالب‌های معنایی جست‌وجو کرده است؛ چرا که واژه *shore* به معنای ساحل از دید کسی است که در دریا حضور دارد؛ مثلاً سرنشین کشتی، درحالی‌که *coast* ساحل از دیدگاه کسی است که در خشکی حضور دارد. این تفاوت، نظریه قالب‌های معنایی را به‌خوبی نشان می‌دهد.

۴. روش تحقیق

در تحقیق حاضر شیوه نظری و تحلیلی به کار رفته است. داده‌های این مقاله که از طریق جست‌وجو در پیکره‌ای مشتمل بر ۲۳۰۹ جمله برگرفته از داستان‌ها و وبلاگ‌های زبان فارسی انجام می‌گیرد، براساس نظریه قالب‌های معنایی چارلز فیلمور مورد بررسی قرار گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا براساس مدخل واژگانی فعل «دیدن» در لغت‌نامه‌های *دهخدا*، *معین* و *عمید*، تمام واژگانی را که در قالب «ادراکی - دیداری» آورده شده‌اند در نظر می‌گیریم. برای فعل «دیدن»، تمام داده‌های جمع‌آوری شده در قالب‌هایی طبقه‌بندی شدند و برای سایر افعال فقط قالب «ادراکی - دیداری» مورد نظر قرار گرفته است. سپس داده‌های مربوط به فعل «دیدن» با دیگر داده‌ها مقایسه شدند و از بین آن‌ها عناصر قالبی عامل تمایز معنایی به دست آمدند. از آنجا که داده‌های مربوط به فعل «دیدن» جداگانه طبقه‌بندی شده‌اند، در بخش دوم مقاله، قالب‌های متعددی را که فعل «دیدن» در آن‌ها تعریف شده است، استخراج کردیم. در پایان، از واژه‌نامه‌های زبان فارسی، مهم‌ترین ترکیبات واژگانی با فعل «دیدن» جمع‌آوری شده و مورد بررسی شناختی قرار گرفت.

۵. تحلیل داده‌ها

تحلیل مقاله حاضر به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود: ابتدا به تفاوت فعل «دیدن» با دیگر افعال مرتبط همچون «مشاهده کردن»، «تماشا کردن»، «نگاه کردن» و غیره می‌پردازیم. سپس چندمعنایی واژه «دیدن» را براساس قالب‌های معنایی بررسی می‌کنیم و درنهایت، باهمایی واژه‌هایی برگرفته از فعل «دیدن» را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱. مقایسه فعل «دیدن» با دیگر افعال مشابه

برای بررسی فعل «دیدن» و افعال دیگری که در قالب «ادراکی-دیداری» قرار می‌گیرند، همان‌طورکه در معناشناسی قالبی مرسوم است، بررسی‌ها را با ساختار نقشی آن‌ها شروع می‌کنیم، به این معنا که در مرحله اول برای یافتن این قالب معنایی لازم است نقش‌های معنایی را بررسی کنیم. اول، با درنظرگرفتن موقعیت خواهیم دید که چه عاملی و به چه ترتیبی روی می‌دهد. در این حالت موقعیت «دیده شدن شخص یا شیء» مورد نظر است؛ همچنین باید اذعان کرد که «دیدن» ممکن است بیننده یا دیده‌شده را تحت تأثیر قرار دهد یا ندهد.

دوم، شخص بیننده کسی است که صحنه مورد نظر را می‌بیند. این شخص ادراک‌کننده تصویری خاص با به‌کارگیری عضوی از بدن خود، یعنی «چشم»، است، بنابراین نوع رویداد «ادراکی» خواهد بود. سوم، «دیده‌شده» می‌تواند شخص، شیء یا هر صحنه دیگری باشد، بنابراین برای تعمیم‌دادن به آنچه دیده می‌شود، از آن به «پدیده دیده‌شده» یاد می‌کنیم.

افعالی که در این قالب تعریف می‌شوند عبارت‌اند از: دیدن، مشاهده کردن، نگاه کردن، چشم‌بوختن، نظر انداختن، نظاره کردن، به نظر آمدن، تماشا کردن، ملاقات کردن، شاهد بودن، نگریستن و ناظر بودن. این افعال براساس قالب معنایی «ادراکی-دیداری» که حاوی نقش‌های دستوری، نقش‌های معنایی و کاربردشناسی است، از یکدیگر قابل تشخیص خواهند بود. باید دقت داشت هر کدام از این افعال ممکن است در قالب‌هایی دیگر نیز تعریف شوند ولی در این بخش از مقاله منظور ما فقط تعریفی است که در حوزه قالب «ادراکی-دیداری» قرار می‌گیرد.

«دیدن» با «مشاهده کردن» فرق دارد؛ چرا که «دیدن» در قالب «ادراکی-دیداری» رویدادی است که معمولاً به‌صورت تصادفی و ناخواسته روی می‌دهد، درحالی‌که «مشاهده کردن» با دقت و برای کشف جزئیات انجام می‌گیرد و معمولاً با نتیجه‌ای همراه است.

۱. دیروز عکسش را دیدم.

۲. در وبسایت ایرانسل می‌توانید کارخانه و مدل گوشی خود را مشاهده کنید.

همان‌طورکه در مثال «۱» مشاهده می‌شود اگر فعل مشاهده کردن را به کار ببریم، آن‌گاه جمله

نیازمند موشکافی بیشتری خواهد بود و با دقت بیشتری انجام می‌گیرد. همچنین، در مثال «۲»، بیننده برای کشف مدل و کارخانه گوشی خود با دقت بیشتری به وبسایت ایرانسل نگاه می‌کند. همچنین باید دقت داشت که از واژه «مشاهده کردن» بیشتر در متون علمی استفاده می‌شود. از آنجا که هم‌معنایی «دیدن» و «مشاهده کردن» نسبی است^{۱۶}، بنابراین در تمام موارد نمی‌توان این دو را با هم جایگزین کرد، برای نمونه در مثال «۳» این جایگزینی با تغییر معنایی همراه است.

۳. دانشمندان در تحقیقات خود مشاهده کردند که اشعه K خود دو نوع اشعه است.

اما «نگاه کردن» در قالب «ادراکی-دیداری» با موارد پیشین فرق دارد؛ اگر در مثال اول «دیدن» را با «نگاه کردن» جایگزین کنیم، آن‌گاه دیگر فقط در مورد ادراک غیر ارادی شیء صحبت نمی‌کنیم، بلکه به عملی خاص برای مقصودی خاص اشاره می‌کنیم، بنابراین عامل «ارادی بودن» به‌طور نسبی بخشی از پیش‌فرض افعال «مشاهده کردن» و «نگاه کردن» است و آن‌ها را از «دیدن» مجزا می‌کند. جمله «۴» نمونه خوبی از کاربرد هم‌زمان افعال «دیدن» و «مشاهده کردن» را به دست می‌دهد:

۴. من به جدول رده‌بندی نگاه کردم، دیدم استقلال صدرنشینه.

در مثال «۴»، «دیدن» در قالب «متوجه شدن» به کار رفته است، این تنها زمانی ممکن است که «نگاه کردن» با دقت انجام بگیرد و به عملی ارادی اشاره کند. حال می‌توان آزمایش اضافه کردن «تصادفاً» را برای تعیین «ارادی بودن» در مثال «۵» انجام داد:

۵. الف) تصادفاً رضا را در خیابان دیدم.

ب) * تصادفاً به عکس‌های او نگاه کردم.

پ) * تصادفاً تلویزیون تماشا کردم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، فعل «دیدن» را همراه قید تصادفاً می‌توان به کار برد، این در حالی است که افعال ارادی همچون «نگاه کردن» و «تماشا کردن» را نمی‌توان همراه قید «تصادفاً» به کار برد. باید دقت داشت که منظور از «دیدن» در بخش اول این مقاله، تعریف آن در قالب «ادراکی-دیداری» است، چنانچه «دیدن» در مثال «۶» در قالب دیگری روی می‌دهد و آن قالب تصحیح کردن است.

۶. دیروز برگه امتحانیتو دیدم، آفرین. نمره خوبی گرفتی.

اما تفاوت «نگاه کردن» و «مشاهده کردن» به عامل‌های شناختی «هدف» بازمی‌گردد، زیرا هدف «نگاه کردن» کشف موردی خاص نیست، درحالی‌که هر دو ارادی هستند، «مشاهده کردن»، عمل «نگاه کردن» برای کشف جزئیات و روابط بین اجزای «مشاهده‌شده» می‌باشد. اگر «نگاه کردن» را در مثال «۲» با فعل «مشاهده کردن» جایگزین کنیم، می‌بینیم که جمله اندکی از لحاظ معنایی متزلزل می‌شود.

مورد دیگر «تماشا کردن» است که همانند «مشاهده کردن» و «نگاه کردن» در گروه افعال ارادی قرار می‌گیرد و از «دیدن» متمایز می‌شود.

۷. مردم بیشتر اوقات فراغت خود تلویزیون تماشا می‌کنند.

۸. بعد از مدت‌ها به تماشای مسابقات اسب‌سواری رفت.

«تماشا کردن» و «مشاهده کردن» هر دو با دقت همراه هستند و با «دیدن» و «نگاه کردن» به‌طور نسبی تفاوت دارند. تمایز «مشاهده کردن» و «تماشا کردن» در نوع هدف یا زاویه دید بیننده می‌باشد؛ چرا که مشاهده‌کننده دیدی کنترل‌شده به مشاهده‌شده دارد، درحالی‌که آنچه تماشا می‌شود برای کشف موارد کنترل‌شده نیست. برای درک تفاوت در اهداف می‌توان در مثال «۷» به جای «تماشا کردن» از فعل «مشاهده کردن» استفاده کرد و دید که جمله تاحدودی غیر عادی به نظر می‌رسد، چون ماهیت رویداد-های مشاهده کردن و تماشا کردن با هم متفاوت است.

آنچه مسلم است بین نمونه‌های قالب «ادراکی-دیداری»، تفاوت‌های سبکی هم وجود دارد، برای مثال «مشاهده کردن» به‌صورت رسمی به کار می‌رود، درحالی‌که «دیدن» واژه‌ای خنثی است و «نگریستن» واژه‌ای رسمی و ادبی است و به‌صورت روزمره به کار نمی‌رود. درکل، می‌توان نمونه‌های قالب «ادراکی-دیداری» را در جدول «۳» خلاصه کرد. در این جدول برخی از عناصر قالبی^{۱۷} مناسب قالب «ادراکی» در زبان فارسی تعیین شده است تا بتوانیم تفاوت‌های ظریف افعال هم‌معنا را برای زبان فارسی آشکار کنیم.

جدول ۳ تفکیک عناصر قالب «ادراکی-دیداری»

عنوان	ارادی	با دقت	هدفمند	کنترل	سبک	مثال
دیدن					خنثی	دیروز کتابت را دیدم.
نگاه کردن	✓				خنثی	به آن تصویر نگاه کن.
تماشا کردن	✓		✓		رسمی	بازی را تماشا کردم.
مشاهده کردن	✓	✓	✓	✓	رسمی	همان‌طور که مشاهده می‌کنید، ...
نگریستن	✓				ادبی	فوراً دل‌مشغول شد و از آن جانب نگریست
رؤیت کردن	✓	✓	✓	✓	بافت خاص	هلال ماه شوال در یزد رؤیت شد
ملاحظه کردن	✓	✓			رسمی	این تصاویر را ملاحظه کنید

از آنجا که به‌دست‌دادن واژه‌هایی با معانی کاملاً یکسان در زبان، اقتصادی نیست، بنابراین هر کدام از واژه‌هایی که در قالب «ادراکی-دیداری» مطرح شدند، باید کاربرد خاصی داشته باشند و تفاوت آن‌ها

در نوع شرکت‌کنندگان، مشخصه‌های کاربردشناسی و روابط جامعه‌شناختی موضوع‌ها نمایه‌سازی شده باشد.

همان‌طور که در جدول «۳» نشان داده‌ایم، هم‌معنایی در این قالب مطلق نیست و به‌صورت نسبی است. با استفاده از عناصر قالبی می‌توان تفاوت‌های ظریف بین افعال را به‌خوبی نشان داد.

۲-۵. قالب‌های معنایی فعل «دیدن»

در این بخش، نخست چندمعنایی واژه «دیدن» را از منظر نظریه قالب‌های معنایی بررسی کرده و برای هر کدام از معانی مختلف این فعل، قالبی مجزا ارائه می‌دهیم.

الف) قالب معنایی «ادراکی-دیداری»

۹. جمعیتی از سربازان مسلح را در خیابان دیدم.

<p>قالب معنایی: «ادراکی-دیداری»</p> <p>ساخت دستوری: کسی (فاعل) کسی یا چیزی یا صحنه‌ای را (مفعول) دیدن (فعل)</p> <p>نوع فعل: رویدادی</p> <p>نقش‌های معنایی: الف) ادراک‌کننده</p> <p>ب) پدیده ادراک‌شده</p> <p>پ) چشم</p>

شکل ۴ قالب معنایی «ادراکی-دیداری»

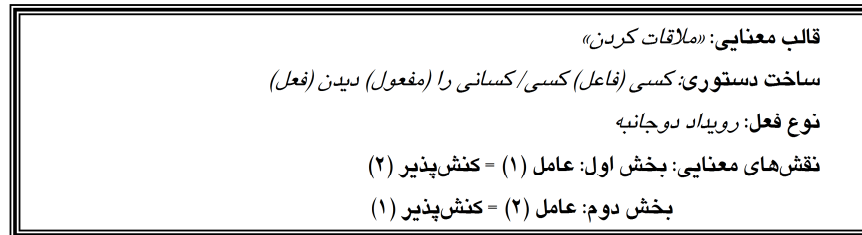
در این قالب معنایی که با استفاده از عضو «چشم» انجام می‌گیرد، چهار ویژگی معنایی در جدول «۴» مشخص شده است. نوع فعل رویدادی است و دارای سه نقش معنایی «ادراک‌کننده»، «پدیده ادراک‌شده» و «چشم» است.

ب) قالب معنایی «ملاقات کردن»

۱۰. خیلی دوست داشتم دوباره او را ببینم. (برنامه تلویزیونی، شخص نابینا)

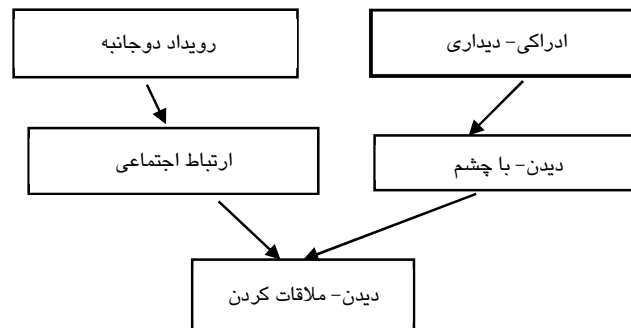
۱۱. شاید فردا برم و وکیل را ببینم.

۱۲. فردا همدیگر را در شرکت می‌بینیم.



شکل ۵ قالب معنایی «ملاقات کردن»

از آنجا که نمونه بالا از نوع چندمعنایی است، معنای آن باید با قالب «ادراکی-دیداری» تناسبی داشته باشد و به عبارت دیگر می‌باید منشعب از آن باشد. فرق قالب «ادراکی-دیداری» و «ملاقات کردن» در این است که در مورد اول ادراک‌کننده، شخص یا پدیده‌ای را می‌بیند، درحالی‌که در مورد دوم این پیش‌فرض وجود دارد که شخص دیده‌شده، خود نقش بیننده (تجربه‌گر) را نیز بازی کرده است؛ به عبارت دیگر نوع فعل رویدادی دوجانبه را تداعی می‌کند.

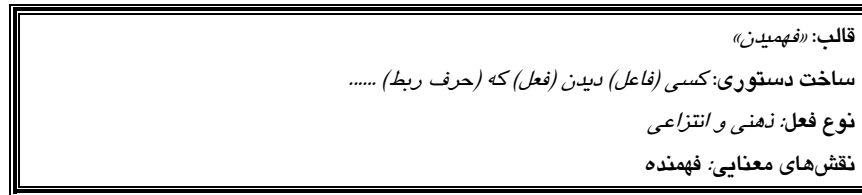


شکل ۶ رابطه قالب معنایی «ادراکی-دیداری» و «ملاقات کردن»

پ) قالب معنایی «فهمیدن»

۱۳. وقتی دید که توانایی رقابت با او را ندارد، از در توطئه وارد شد.

۱۴. دیدم (که) نمی‌شود مسئله را به این راحتی حل کرد، بنابراین از او شکایت کردم.



شکل ۷ قالب معنایی «فهمیدن»

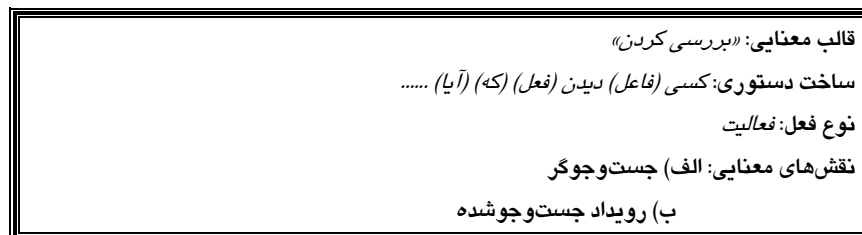
ارتباط قالب «ادراکی - دیداری» با قالب «فهمیدن» در این است که «دیدن» در این مورد از فضای فیزیکی و ادراکی به فضایی انتزاعی‌تر ربط داده شده است، به عبارت دیگر نوعی «دیدن شناختی» روی می‌دهد. این حالت خود ممکن است در قالب استعاره «ذهن چشم است» روی دهد. همچنین «فهمیدن» گاهی اوقات از روی شواهد فیزیکی ممکن می‌شود، در این حالت «دیدن» می‌تواند به معنای «مشاهده کردن» به کار رود.

ت) قالب معنایی «بررسی کردن»

۱۵. بگذار ببینم (آیا) می‌شود آرزوی تو را برآورده کنم.

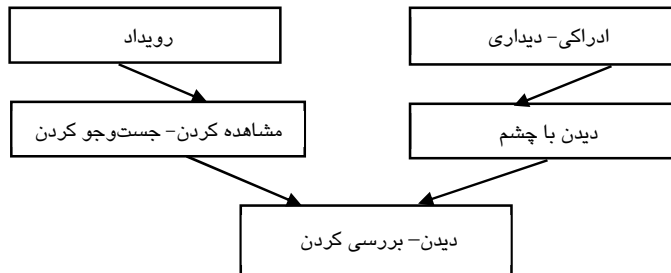
۱۶. حالا ببینم چه می‌شود.

۱۷. ببین غیر از گریه می‌شود کار دیگری انجام داد.



شکل ۸ قالب معنایی «جست‌وجو کردن»

در این مورد، رابطه قالب معنایی «ادراکی - دیداری» و «جست‌وجو کردن» در این است که گویی شخص آزمایشی انجام می‌دهد تا مشاهده کند آیا رویداد مورد نظر امکان‌پذیر است یا خیر. این تناسب را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



شکل ۹ رابطه قالب معنایی «ادراکی-دیداری» و «بررسی کردن»

ث) قالب معنایی «دقت کردن»

۱۸. فقط ببین چیکار می‌کنم.

۱۹. ببین! من نمی‌توانم با او روبه‌رو شوم.

<p>قالب معنایی: «دقت کردن»</p> <p>ساخت دستوری: دیدن (امری)</p> <p>نوع فعل: رویداد امری</p> <p>نقش‌های معنایی: الف) امرکننده</p> <p>ب) امرشونده</p>
--

شکل ۱۰ قالب معنایی «دقت کردن»

در این قالب، فعل فقط به صورت امری به کار می‌رود. رابطه‌ای که این قالب با قالب معنایی «ادراکی-دیداری» دارد این است که شخص امر به دیدن می‌کند، در این حالت «دیدن» از حالت ادراکی غیر ارادی به حالت ارادی تغییر حالت می‌دهد و عنصر «توجه» و «دقت» به فعل افزوده می‌شود.

ج) قالب معنایی «پیش‌بینی کردن»

۲۰. روزهای خوبی می‌بینم.

۲۱. روزی را می‌بینم که هیچ‌کس به فکر انتقام از دیگران نباشد.

در این نمونه، فعل «دیدن» به معنای پیش‌بینی کردن به کار رفته است و به نظر می‌رسد برگرفته از آیین «فال گرفتن» باشد؛ چرا که پیش‌بینی براساس دیدن شواهدی در جسمی جادویی یا مثلاً در لیوان قهوه بازنمایی می‌شود.

۳-۵. باهمایی فعل «دیدن» با عناصر اسمی و فعلی

در این بخش به شرح باهمایی دیگر واژه‌ها با «دیدن»، به‌عنوان نوعی واژگانی‌شدن می‌پردازیم. بسیاری از این موارد در واژه‌نامه‌های مختلف ذخیره شده‌اند که تعداد آن‌ها بسیار زیاد است، در این مقاله به نمونه‌هایی از این باهمایی اشاره می‌کنیم. بسیاری از این موارد به‌صورت اصطلاحی درآمده‌اند و معنای کلی آن‌ها از ترکیب اجزای آن‌ها قابل استخراج نیست.

اگر بخواهیم رابطه بین اجزای این اصطلاحات را رمزگشایی کنیم، معنای «دیدن» ممکن است در نگاه اول ساده به نظر برسد و به یکی از معانی ذکرشده در بخش «۲-۵» بازگردد و معنای کل با ترکیبی ساده به دست آید.

۲۲. به‌چشم‌دیدن؛

۲۳. چشم کسی را دور دیدن.

این‌ها نمونه‌هایی از اصطلاحاتی هستند که همراه فعل «دیدن» به کار می‌روند و رمزگشایی معنای آن‌ها کار دشواری نیست. اما مواردی هم هست که با وجود داشتن دستوری ساده معنای آن‌ها از ترکیب معنای اجزای آن قابل رمزگشایی نیست.

۲۴. چهارچشمی نگاه کردن؛

۲۵. با یک چشم دیدن.

در این مقاله به بررسی تعدادی از معمول‌ترین باهمایی واژگانی فعل «دیدن» همراه با واژه‌های دیگر می‌پردازیم. با استفاده از قالب‌های معنایی به رمزگشایی این ترکیب‌ها دست خواهیم زد.

- خسارت دیدن، صدمه دیدن، آسیب دیدن، آزار دیدن، رنج دیدن

۲۶. دانش‌آموزان از این حادثه آسیب دیده‌اند.

۲۷. فشار الکتریکی و نوسان باعث می‌شود وسایل الکتریکی آسیب ببینند.

در مورد بالا، بیننده موجودی است که آگاهانه چیزی (خسارت، صدمه، آسیب) را می‌بیند، در این حالت فاعل (بیننده آسیب را دیدن = بیننده با حواس خود چیزی را تجربه کردن) فعل «آسیب دیدن» همان فاعل فعل «دیدن» است.

راه دیگر برای رمزگشایی این ترکیب‌ها استفاده از قالب معنایی «مجاز» است. در این حالت، «دیدن» یکی از حواس است؛ بنابراین اگر «آسیب را حس کردن» معنای نزدیک «آسیب دیدن» باشد آن‌گاه «دیدن» به‌عنوان یکی از حواس می‌تواند معنای ما را یعنی معنای «تجربه کردن» را به دست دهد.

- تهیه دیدن، تدارک دیدن

۲۸. آن‌ها در حال تدارک دیدن برای استقبال از قهرمانان هستند.

۲۹. برای اردوی هفته آینده تدارک زیادی دیده‌اند.



به نظر می‌رسد که «دیدن» در این ترکیب با قالب معنایی «پیش‌بینی کردن» هماهنگ باشد، بنابراین پیش‌بینی‌کننده تدارکاتی را پیش‌بینی می‌کند. از این لحاظ به نظر می‌رسد قالب «تهیه‌دیدن» با «تهیه‌کردن» فرق داشته باشد؛ چرا که اولی پیش‌فرض «پیش‌بینی لوازم» را با خود به همراه دارد، درحالی‌که «تهیه کردن» در زمان حال روی می‌دهد.

- مصلحت‌دیدن، صلاح‌دیدن

۳۰. به ترک خدمت پیرمغان نخواهم گفت/ چرا که مصلحت خود در آن نمی‌بینم (حافظ)

۳۱. صلاح نمی‌بینم بیشتر از این در کارش مداخله کنید.

دیدن در این مورد نیز با قالب «پیش‌بینی کردن» به کار رفته است و در مورد آینده صحبت می‌کند؛ گویی که با «فال‌دیدن» هماهنگ باشد و همانند آیین «فال‌گرفتن» شخص، مصلحت را در ابزار پیش‌بینی آن‌ها نمی‌بیند. بنابراین بیننده مصلحت و صلاح خود را در موارد ذکرشده نمی‌بیند. بیننده همیشه انسان است که به قیاس با «فال‌دیدن» مصلحت خود را نمی‌بیند.

- چشم‌زخم دیدن، چشم شور دیدن

۳۲. چشم‌زخمی را که دید/ اقبال‌ها بیند چنانک/ قداو بر چشم خورشید اسب تازد هر زمان (خاقانی).

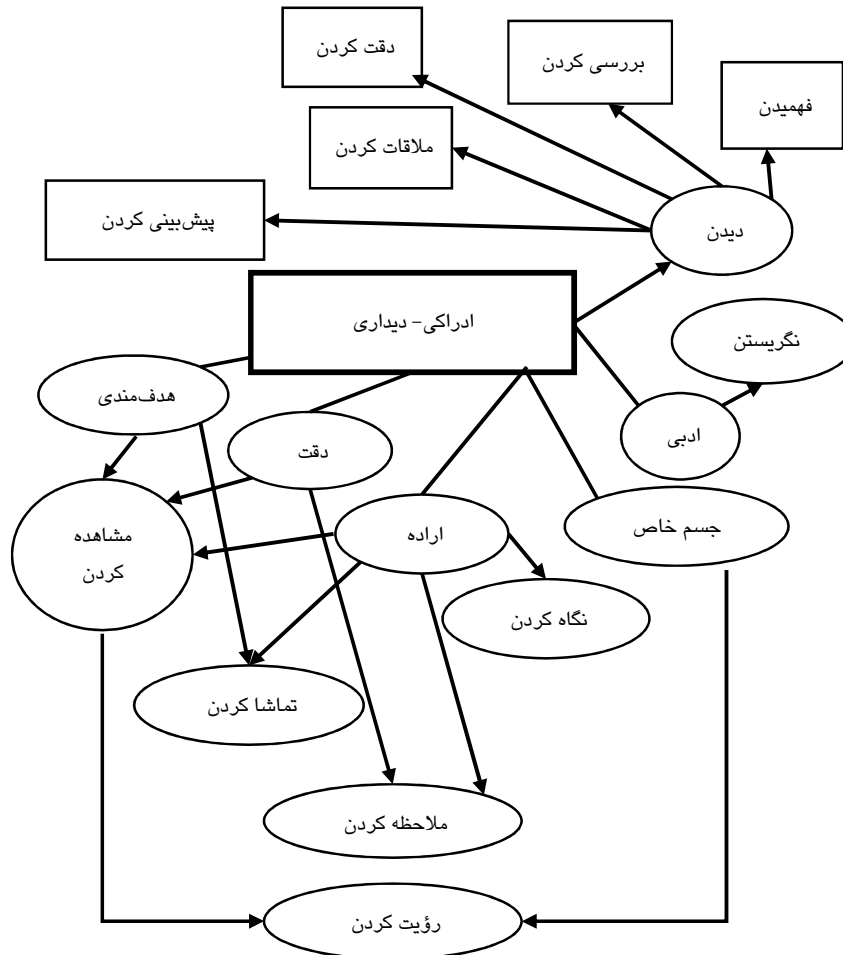
«دیدن» در این حالت به معنای «تجربه‌کردن» به کار رفته است. بنابراین تجربه‌کننده، زخمی را که از چشم دیگران ناشی شده است، تجربه می‌کند. «چشم‌زخم» به باوری اشاره دارد که در آن چشم شخصی ممکن است بر شخص دیگری اثرات زیان‌باری داشته باشد. به این ترتیب در این قالب معنایی تأکید بر تجربه‌کننده چشم‌زخم است؛ درحالی‌که شخصی صادرکننده آن می‌باشد که در جمله «چشم‌زخم دیدن» به صورت پیش‌زمینه در معنای این عبارت وجود دارد.

از نمونه‌های دیگری که از باهمایی واژه‌ای با «دیدن» ساخته می‌شوند عبارت‌اند از: خواری‌دیدن، مجازات‌دیدن، راستی‌دیدن، رنج‌دیدن، محنت‌دیدن، روادیدن، زحمت‌دیدن، تمتع‌دیدن، عیان‌دیدن، بلا‌دیدن، گزندیدن، سان‌دیدن، واجب‌دیدن و غیره.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی واژه «دیدن» از منظر قالب‌های معنایی، با هدف توصیف عناصر معنایی پرداختیم و براساس دانش پیش‌زمینه و تجارب، قالب‌های هر کدام از واژه‌هایی را که با دیدن مرتبط بودند، ترسیم نمودیم.

اگر بخواهیم مطالب این مقاله را در مدلی مناسب شبکه‌های قالبی ارائه دهیم، باید آن را به شکل زیر ترسیم کنیم:



شکل ۱۱ شبکه‌ی قالبی واژه «دیدن»

آنچه از این نمودار قابل دریافت است، اهمیت قالب «ادراکی-دیداری» است که منشأ و عامل ایجاد ارتباط معنایی است. آنچه این نمودار نشان می‌دهد بی‌نشان بودن واژه «دیدن» در مقایسه با دیگر معانی مرتبط است؛ همچنین از طریق قالب «ادراکی-دیداری» می‌توان به قالب‌های دیگر فعل «دیدن» نیز دست یافت.

تعریف‌شدن یک واژه واحد در قالب‌های معنایی متفاوت نشان‌دهنده چندمعنابودن فعل «دیدن» است، این معانی از طریق قالب «ادراکی-دیداری» با همدیگر مرتبط شده‌اند. همچنین تعریف متغیرهایی علاوه بر قالب پایه، به تعریف واژه‌های مرتبط به فعل «دیدن» کمک می‌کند.



۷. پی‌نوشت‌ها

1. Background knowledge

۲. ر.ک. سایت FrameNet در بخش منابع.

۳. ر.ک. سایت قالب‌نت زبان فارسی در بخش منابع.

4. Frame semantics
5. Commercial event
6. Schemata
7. Script
8. Scenario
9. Ideational Scaffolding
10. Cognitive model
11. Folk theory
12. Trajector
13. Landmark
14. Figure
15. Ground

۱۶. باید دقت داشت که «دیدن» و مشاهده‌کردن در قالب «ادراکی-دیداری» از هم مجزا هستند؛ درحالی‌که در قالب «فهمیدن» در برخی موارد قابلیت جایگزینی دارند، بنابراین نباید در تحلیل‌ها دچار خطا شد و قالب‌های متفاوت را با هم اشتباه گرفت.

17. Frame elements

۸. منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۹۱). *دستور زبان فارسی ۱ و ۲*. ویرایش ۴. تهران: فاطمی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رضاییان، علی و قاسم سالاری (۱۳۹۲). «تحول *داغ* دیدن از فعل ساده به مرکب». *مجله زبان-پژوهی* (دانشگاه الزهرا)، س ۴، ش ۸، صص ۵۳-۶۵.
- سلطانی، رضا و محمد عموزاده (۱۳۹۱). «رویکردی شناختی به چندمعنایی: مطالعه موردی فعل حرکتی آوردن». *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی معناشناسی*. به کوشش سپیده عبدالکریمی. تهران: نشر نویسه پارسی. (صص ۲۳۳-۲۵۶).
- فیاضی، مریم‌سادات (۱۳۸۸). *بررسی چندمعنایی در زبان فارسی: رویکردی شناختی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فیاضی، مریم‌سادات؛ عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا؛ ارسلان گلفام؛ آریتا افراشی و فردوس آفاگل‌زاده (۱۳۸۷). «خاستگاه استعارای افعال حسی چندمعنا در زبان فارسی از منظر معنی‌شناسی

شناختی». مجله ادبپژوهی. ش ۶. صص ۸۷-۱۱۰.

References:

- Anvari, H. & H. A. Givi (2013). *Persian Language Grammar 1, 2*. Fourth Edition. Tehran: Fatemi Publishers [In Persian].
- Baker, C. F. (1999). *Seeing Clearly: Frame Semantic, Psycholinguistic, and Cross-Linguistic Approaches to the Semantics of the English Verb See*. PhD Dissertation. Berkeley : University of California.
- Croft, W. & D. A. Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fayyazi, M. A. (2010). *Investigating Polysemy in Persian based on Cognitive Approach*. (Unpublished Ph.D. Thesis). Tehran: University of Tarbiat Modares [In Persian].
- Fayyazi, M.; A. Golfam & A. K. Z. Kambouziya (2010). "The metaphoric origin of the polysemic perceptive verbs in Persian: a cognitive semantic approach". *Journal of Adab Pazhuhi*. (6).Pp. 55-85 [In Persian].
- Fillmore, C. J. & Atkins, B. T. (1992). "Toward a Frame-Based Lexicon: The Semantics of RISK and its Neighbours". *Frames, Filelds and Contrasts 102*.
- Fillmore, C. J. (1982). "Frame Semantics". *The Linguistic Society of Korea: Linguistic in the Morning Calm*. Pp. 65-137.
- Fillmore, C. J. (2014/07/02). *FrameNet*. Retrieved from <https://framenet.icsi.berkeley.edu/fndrupal/>.
- Langacker, R. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar*, Vol I. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Rasekh Mahand, M. (2012). *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Reza'eian, A. & G. Salari (2014). "The development of 'dagh didan' from simple to complex verb". *Journal of Zaban Pajouhi* (8).pp. 53-65[In Persian].
- Soltani, R. & M. Amouzadeh (2013). "A cognitive approach to polysemy: a case study of the verb 'avardan". *Proceedings of the Third Conference on Semantics*. (pp. 233-



- 256). Tehran: Nevisheh Parsi Publishers [In Persian].
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics, Vol I: Concepts Structuring Systems*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - Ungerer, F. & H. Schmid (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Pearson Education Press.